

نویسندگان: کین سیزی (Kevin Zeese) و ماگاریت فلاور (M. Flower)

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «02-09-2019».

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

**پیوند دادن به جنبش‌ها و اتحادیه‌های عمومی
یک ستراتیژی برنده برای کارگران است.**

*Linking popular Movements and Unions is a
winning strategy for workers*



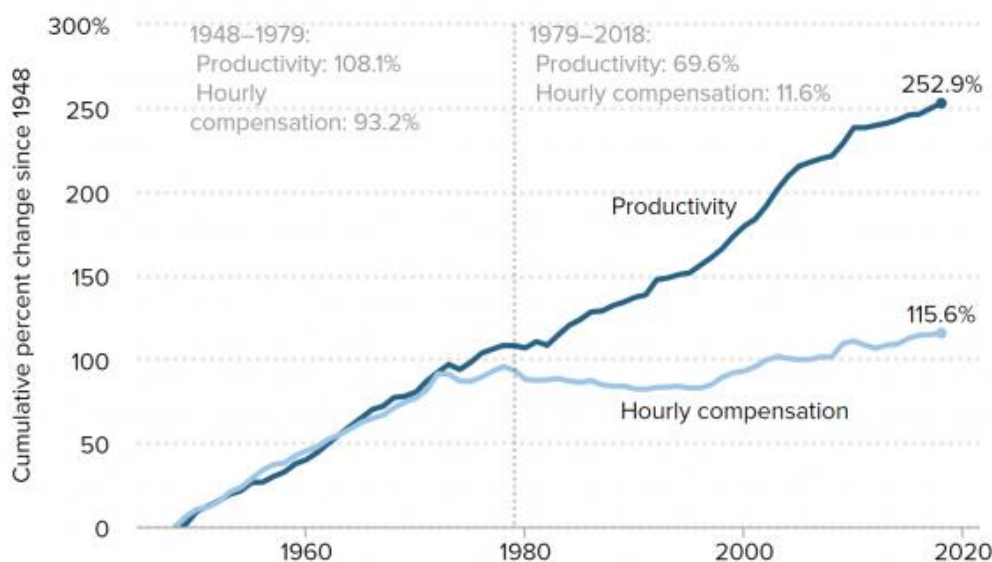
پس از سالها کاهش قدرت و دستمزدهای راکد، کارگران در ایالات
متحده بیدار می‌شوند، اعتصاب می‌کنند و خواستار حقوق بیشتر هستند.
گزارش دفتر آمار کار نشان می‌دهد که تعداد کارگران اعتصاب‌کننده از
سال «1986» بالاترین تعداد را داشته است. در سال «2018»
«485,000» نفر اعتصاب کردند، تعداد آنها از «533,000» نفر در
سال (1986) فراتر نرفت و سال (2019) حتی بیشتر خواهد شد.
کارگران باید در حال شورش باشند، زیرا مؤسسه سیاست اقتصادی
نشان می‌دهد که کارگران سه دهه و نیم دستمزدهای راکد داشته‌اند،

حتی اگر بهره وری در حال افزایش باشد.
این هفته ما به مبدأ روز کار «یا روز کارگر» نگاه می کنیم، به چگونگی بازگشت کارگران به آن ریشه ها و آینده کارگران در ایالات متحده نظر می اندازیم.

فاصله بین بهره وری و جبران خسارات معمولی کارگر از سال (1979) بطرز چشمگیر افزایش یافته است

The gap between productivity and a typical worker's compensation has increased dramatically since 1979

Productivity growth and hourly compensation growth, 1948–2018



بازگشت کارگران به ریشه های شان موجب افزایش اعتصابات می شود

این یکصد و بیست و پنجمین (125) جشن سالگرد روز کارگران است که در سال (1894) پس از اعتصابات سراسری کارگران راه آهن پولمن (pullman) به رهبری اتحادیه راه آهن امریکا تحت سازماندهی **یوجن د بس** (Eugen Debs) هنگامیکه (260000) کارگران در (27)

ایالات شرکت داشتند این روز اعلام شد. سپاهیان ویا پولیس فدرال برای متوقف کردن این اعتصابات مورد استقا ده قرار گرفتند که در اثر زد و خورد بین پولیس فدرال و کارگران در حال اعتصاب (26) نفر کشته شد. شش روز پس از پایان اعتصابات سرتاسری بیش از دو ماهه ریس جمهور **گروور کلیوند (Grover Cleveland)** با ایجاد ویا با رسمیت شناختن این روز را بنام روز کارگر بعنوان مصالحه با کارگران پذیرفت و بالای کنگره فشار وارد نمود که این روز را قانوناً و رسماً بنام روز کارگر بشناسند. در پایان اعتصابات، در تاریخ چهارم جولای **یوجن دبس** اعتصاب را بعنوان آغاز درگیری توصیف کرد از اینکه (90) درصد از مردم امریکا در مقابل (10) درصد دیگران برای اعاده حقوق حقه ای شان بپا خاستند ویا باهم جمع آمدند. شش روز بعد **یوجن دبس** توسط پولیس دستگیر شد؛ وی بعد از صدور حکم توسط دیوان عالی کشور به دلیل سرکشی از قانون به ارتباط اعتصابات محکوم به شش ماه حبس شد و به زندان فرستاده شد او بعد از رهایی از زندان به ایجاد حزب سوسیالیست بخاطر قدرت نمایی کارگران در انتخابات پرداخت که بعداً با ایجاد این حزب تغییرات زیادی در قوانین کشور رونما شد.

اعتصاب پولمن بخشی از جنبش در حال فزاینده کارگری بود که موجب ایجاد اصلاحاتی به نفع کارگران شد از جمله پایان دادن به کار کودکان؛ قبولی هشت ساعته کار در یک روز؛ حق ایجاد اتحادیه های کارگری و قوانین جدید در دوران افسردگی نصیب کارگران شد و این خود شامل بسیاری از قوانین بود که خواست کارگران مربوط حزب سوسیالیست و..... حزب مترقی را برآورده ساخت.

از سال (1947) قانون **تفت - هارلی** } (Taft-Harley = یک قانون فدرال است که در سال 1947 تصویب و توسط **ترومن** توشیح شد که برخی از شیوه های اتحادیه را منع می کند و مستلزم افشای برخی فعالیت های مالی و سیاسی توسط اتحادیه هاست.} حقوق کارگران را کم

و محدود کرد؛ اتحادیه های کارگری با کاهش اعضا و کاهش حقوق شان روبرو شدند تصمیم یا نوس {Janus = تحت عنوان «حق کار» در 28 ایالت دیگر، تحت عنوان "حق کار"، قانون ایالتی منع مجازات اتحادیه ها از پرداخت غیرقانونی این نوع هزینه ها را ممنوع اعلام کرده است. ژانوس استدلال کرد که ایلینوئیز با رعایت او در پرداخت حق الزحمه، نخستین اصلاحیه خود را نقض کرده است - وادار کردن وی برای صحبت از طریق اتحادی { که عده ای آنرا حمله مهلک به اتحادیه های بخش دولتی می دیدند؛ ممکن است نقطه پایین؛ شاید تاریکی قبل از طلوع آفتاب برای کارگران در ایالات متحده باشد. اما کارگران درک میکنند که دموکراسی نیاز به اتحادیه ها دارد و اکنون (64) درصد از مردم میگویند که اتحادیه ها را تا بیاید میکنیم یا که اینها اتحادیه های کارگری را تا بیاید میکنند. و افزایش (16) درصد نسبت به رقم در سال (2009) کم سابقه و چشمگیر است.

به نظر میرسد یانوس (Janus) اتحادیه ها را بر لزوم تجدید نظر در برخورد خود متمرکز کرده است و تاکنون اتحادیه های که به سمت وسوی فرهنگ سازمانی حرکت کرده اند توسط یانوس صدمه ای ندیده اند. در سال های اخیر بیداری با موجی از اعتصابات مانند اعتصاب معلمان در ایالاتهای مختلف امریکا اعم از کالیفرنیا، کلرادو، میشیگان نیوجرسی، اوروگان، پنسلوانیا، تنسی، واشنگتن، ویرجینیای غربی و دیگر جاها { بوجود آمده است. یا اعتصابات صورت گرفته است. همچنین اعتصابات اخیر توسط کارمندان و کارکنان صحت، هتل ها در ده و شهرها، اعتصابات دانش آموزان و فارغ التحصیلان، کارگران مزارع، وودکا کین، شبکه ملی، کارگران فابریکات و کارخانجات پولاد و همچنین بزرگترین اعتصابات کارگران بخش تولیدی کالاها در دوران حاکمیت ویا زما مداری **دونالد ترامپ** و حتی شورش محبوسین و کارگران مکدونالدس ها، کارگران و الماریک در (17) ایالات

امریکا بخاطر افزایش دستمزدها قابل تذکر است .

مبارزه و ستیزه جویی در روز اول ماه می روز کار و کارگر

برای ایجاد اقتصاد مورد نیاز ما لازم است :

کارگران در اقتصاد جدید چیزی غریب و خنده دار نیز با مسابقه و چالش های روبرو هستند وقتی که اکثراً به شرکت های حمل و نقل اعم از **اوبر** (Uber) و **لایفت** (Lyft) رفتند خبرهای بدی برای رانندگان بود . در حالی که سرمایه گذاران میلیاردی دلار درآمد کسب می کردند ، "تقاضای جدیدی از سرمایه گذاران برای افزایش کرایه و حمله بیشتر به رانندگان ، که قبلاً کاملاً کم هزینه هستند" ایجاد کرد . "این رانندگان پیمانکار هستند ، نه کارمندان مشمول قوانین حداقل دستمزد یا مزایای کارمند بودن هستند . در یوران موتر که ساعت و ار مزد دریافت میکنند در (Uber) کمتر از (90) درصد کارگران آمریکایی است . رانندگان برای مطالبه دستمزد و مزایای بهتر اقدام به سازماندهی و اعتصاب کرده اند .

زمان آن رسیده تا دوره جدیدی از حقوق کارگران ، سازماندهی اتحادیه ها ، دستمزدهای بالاتر و مالکیت کارگران فراهم شود . دهه بدرفتاری با کارگران در حال افزایش است و می تواند دهه آینده را به پیشرفت عظیم کارگران تبدیل کند .

تحول نیاز به دستمزدهای بیشتری دارد .

اکثریت قریب به اتفاق مردم ایالات متحده برده های مزدی ویا اجوره وی ساعتوار هستند ؛ زیرا که بقاء آنها به شغل شان بستگی دارد و برای مدت کوتاه نداشتن کار رویا وظیفه آنها را به مشکلات مالی جدی مواجه میکند . پس این زمانی است که روابط کارگران به مشاغل شان تبدیل شده است .

اداره ویا دفتر بودجه کنگره دریافته است که تقسیم ثروت به سطح جدیدی از نابرابری رسیده است . و آن اینکه در حال کنون (10) درصد برتر

خانواده های امریکایی اند که درآمد حد اقل آنها (942000) دلار بوده که (76) درصد کل ثروت و بطور متوسط (42) ملیون دلار ثروت دارند.



مردم در اعتراض به حقوق کارگران شرکت می کنند. (بن اسمیت / روزنامه یوآن)

با قیمته نیمه از جمعیت بیشترین درصد یا بیشترین فیصدی را بخود اختصاص داده اند؛ (23) درصد که تنها (50) درصد پائین ترین درصد از ثروت را بخود اختصاص داده است. آن نیمه پائینی به سختی میتوانند صورت حساب خود را پردازند هیچ پولی برای شرایط اضطراری ندارند یعنی که پس انداز ندارند؛ نمیتوانند فرزندان خود را به کالج بفرستند آنها در ناامیدی و در ناامنی کامل زندگی میکنند و هیچ تحرک رو به رشدی ندارند در حقیقت (25) درصد پایین مردم در امریکا بطور متوسط (13000) دلار و (12) درصد پائین تر جامعه (32000) دلار بدهی دارند. یکی از دلایل تقسیم ثروت این است که از سال (1979) بهره وری (70) درصد افزایش یافته است در حالیکه جبران یا (compensation) در فی ساعت کار (12) درصد افزایش یافته است. در این دوره؛ دستمزدهای یک درصد بالای جامعه امریکا (138)

درصد رشد کرده است درحالیکه دستمزدهای (90) درصد پایین جامعه فقط (15) درصد بالا رفته است. اگر دستمزد (90) درصد پایین جامعه به موازات بهره وری رشد داشته باشد دستمزد (90) درصد پایین جامعه (32) درصد رشد می‌کند یعنی بیش از دوبرابر رشد واقعی؛ با شکست بیشتر این دستمزدهای طبقه متوسط با افزایش دستمزد ساعت کار تنها (16) درصد از سال (1979) راکد مانده است. درحالیکه دستمزد کارگران با دستمزد پایین در واقع (5) درصد کاهش یافته است. کسانی که دستمزد بسیار بالایی دارند (41) درصد افزایش داشتند.

برای اصلاح چندین دهه از کاهش حقوق و دستمزد کارگران، تحول بنیادی لازم است. این به معنی برگشت دوره خصوصی سازی و ایجاد دموکراسی اقتصادی مانند مالکیت کارگران و کارگران در سود است. در حالی که تماس های اعلام وضعیت اضطراری آب و هوا بلندتر می شود فرصتی برای انجام هر دو در حالی که با واقعیت بحران آب و هوا روبرو هستیم وجود دارد. پیشنهاد های مختلفی برای معامله جدید سبز مطرح شده است. انتقال به یک اقتصاد انرژی پاک نیاز به تغییر در بسیاری از بخش های اقتصادی دارد، به عنوان مثال ساخت و ساز، تولید، ترانزیت، کشاورزی، مسکن، امور مالی، انرژی و زیرساخت ها. **جرمی برچر** و **جو یوهلین** دوازده دلیل از توافق نامه سبز جدید برای کارگران را ذکر می کنند.

پاسخ به بحران آب و هوا در طی دو دهه آینده به سرمایه گذاری های عمده سرمایه نیاز دارد. با این سرمایه گذاری های عمومی، ایالات متحده به یک اقتصاد دموکراتیک کنترل شده نیاز دارد. این به معنای کارهای عمومی بیشتر و ملی شدن برخی از بخش های اقتصاد به ویژه بخش انرژی و حمل و نقل است. این فرصتی برای ایجاد مالکیت عمومی

است که کارگران سهم در مالکیت مشاغل و یا مالکیت کامل بر اساس یک الگوی تعاونی کارگری دارند.

اتحادیه های کارگری باید در تعیین جزئیات اقتصاد جدید دوران سبز نقش داشته باشند. همانطور که کار برای پایداری اشاره میکند، بسیاری از اتحادیه ها در حال حاضر در هیئت مدیره هستند. این مهم است که کارگران درگیر در اقتصاد سوخت های فسیلی بدانند که اقتصاد جدید آینده شامل سوخت های فسیلی نخواهد بود و آنها باید به ایجاد آن اقتصاد جدید کمک کنند تا بتوانند بخشی از آن باشند و از آن بهره مند شوند. طرفداران معاملات جدید سبز خواستار "گذار عادلانه" هستند، در حالی که کارگران جبران می شوند و هنگام انتقال به اقتصاد جدید، آموزش می گیرند. یکی از چالش های ایجاد اقتصاد جدید این است که به میلیونها کارگر نیاز دارد. کمبود کارگرو وجود خواهد داشت زیرا همه بخش های اقتصاد باید به سمت پایداری و انرژی پاک استفاده کنند.

برای متوقف کردن ماشین جنگ آمریکا و نجات سیاره از تاریخ (20) تا (23) ماه سپتامبر مردم در شهر نیویارک با هم می پیوندند؛ ما نیز با پیام های که جنگ مساوی به تخریب محیط طبیعی یا محیط زیست است به اعتصاب خواهیم پرداخت؛ ما برای استقلال پورتریکو راهپیمایی خواهیم کرد؛ ما در مورد نژادپرستی نظامی گری و مقاومت صحبت خواهیم کرد ما خواستار تجمع و راهپیمایی خواهیم شد تا ایالات متحده بخاطر قتل عام جهانی خود و نابودی **کورنل وست** (Cornel West = فیلسوف، فعال سیاسی، منتقد اجتماعی، نویسنده و روشنفکر)؛ **راجرز واترز** (Rogers Waters = خواننده، ترانه سرا، نوازنده گیتار و آهنگ ساز انگلیسی) و محافظین سفارت پاناماس شود و ما یک عصر همبستگی با نمایندگان کشورهای خواهیم داشت که تحت تحریم ها و مداخلات و موسیقی آمریکا توسط **دوید رابکس** (David Rovics) هستند. { شما باید برای اینکار در (bit.ly/RSVpapathepeace) ثبت نام کنید

(peunitiesMobe.com) پیاموزید و درخواست جها نی صلح را ا مضا
کنید. { .

انتقال به یک اقتصاد دموکراتیک شده کنون در حال انجام است زیرا
تعداد بیشتری از افراد در حال توسعه مشاغل متعلق به کارگران هستند.
جنبش مالکیت کارگران در ایالات متحده از زمان سقوط مالی سال 2008
به سرعت در حال رشد است. این جنبش اکنون خود را در روند انتخابات
منعکس می کند. نظر سنجی ها نشان می دهد حمایت گسترده ای از مردم
ایالات متحده از کارگرانی که در شرکت هایی که در آن کار می کنند مالکیت
دارند.

هفته گذشته ، **سنا تور سا ندرز** یک برنامه کار ارائه داد که شامل
سهام بیشتر کارگران در شرکت ها می شد. **سناتور وارن** سال گذشته وقتی
خبر از کارزارهای اکتشافی خود داد که شامل کارگرانی در هیئت مدیره
و دریافت سهمی از سود بود ، پیشنهادهای مشابهی را ارائه داد. نامزد سبز
هووی ها وکینز دارای سابقه طولانی در حمایت از دموکراسی اقتصادی
دادن حقوق بیشتر به کارگران ، سهم سود و مالکیت شرکتها است. چنین
سیاست های "برنامه نویسی" در اروپا به طور گسترده ای رواج دارد و
اتحادیه ها با صدای قدرتمندی در تصمیم گیری های شرکت ها به وجود
می آیند.

**برده های مزدی باید شورش کنند تا عصر خصوصی سازی را
معکوس کنند**

حمله به کارگران محصول دوره خصوصی سازی است که تحت **ریگان**
آغاز شد، تحت سرپرستی **کلینتون** شتاب گرفت و امروز نیز ادامه دارد.
برخی از اعتصابات معلمان برمدارس منشور متمرکز شده است ، و
نشان می دهد که خصوصی سازی چگونه به کارگران آسیب می زند.
خصوصی سازی سرمایه گذاران را تقویت می کند. پیامدهای منفی

دوران خصوصی سازی ، افزایش فزاینده حمایت از سوسیالیسم و دموکراسی اقتصادی و همچنین سیاستهای خاص ما نند ملی بهبود یافته Medicare برای همه ، شبکه های اینترنتی شهری ، خدمات عمومی و مشاغل تحت کنترل کار است



جشن شروع ، برانکس ، نیویورک

تعداد زیادی از فرخوانی به اعتصاب عمومی توسط کارگران ، فعالان اقلیم و مهاجران افزایش یافته است. وقتی مردم ایالات متحده به اندازه کافی بسیج شوند تا یک اعتصاب عمومی برگزار کنند ، یک لحظه انقلابی در پیشرفت ایالات متحده خواهد بود. مردم خواهند فهمید که آنها قدرت تعیین آینده خود را دارند.

وقتی قدرت ساختمانی را در مقاومت مردمی توصیف می کنیم ، نوع حرکت مردم را توصیف می کنیم که قادر است طبق معمول با یک حرکت عمومی و یا تاکتیک های دیگر بتواند تجارت را متوقف کند. یک شورش برده دستمزد (کارگران که دستمزد ساعتوار بدست می آورند) جایی است که جنبش مردمی در آینده ای قابل پیش بینی در جریان است.

تشدید سازماندهی کارگران در ایالات متحده، چه در داخل و چه در خارج از اتحادیه‌ها، در طول نیم و دوازده سال گذشته در حالی صورت می‌گیرد که مردم در جنبش‌های اجتماعی از اشغال گرفته تا زندگی سیاه مشغول رادیکال شدن می‌شوند. اتحادیه‌ها مبارزات کارگری را به نگرانی‌های جامعه وصل می‌کنند و در نتیجه، وقتی اعتصاب می‌کنند جامعه از آنها پشتیبانی می‌کند. پیوند جنبش مردمی با رشد در اتحادیه‌ها، هم کارگران و هم فعالان را تقویت می‌کند. مردم با هم متحد می‌شوند و در حال ساختن یک جنبش مردمی هستند که خواستار مردم و سیاره است، نه سود.

روز کار زمان برای تأمل در مورد پتانسیل قدرت کارگران است. مردم در مسیر ساختن یک جنبش سیاسی قدرتمند در برابر هر دو حزب تحت کنترل شرکت‌ها قرار دارند تا برای دولتی که نماینده منافع کارگران است، مبارزه کنند و مردم و سیاره را مقدّمتر از سود قرار دهند.

در مورد نویسندگان این مقاله: کویین زیزی و مارگارت فلاور مقاومت
مشترک مردمی را که در ابتدا این مقاله منتشر می‌شد، همکاری می‌کنند.

----- **با تقدیم احترامات «06-09-2019».**

